

Body as a Tool Analysis of Prostitution from Perspective of Prostituted Women in Tehran: A Qualitative Study

Akbar Zare Shahabadi¹

Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran

Marzieh Sadeghi Hardangi

PhD student in Economic Sociology and Development, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran

Maliheh Jadidi

MA in Sociology, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran

Received: 06 March 2025 Revised: 18 September 2025 Accepted: 22 September 2025

Abstract

Prostitution, a phenomenon dating back to the early human societies, has been the source of humiliation and dire consequences for women who provide sexual services. Despite its economic benefits, this social malaise has been linked to a myriad of deleterious outcomes in society and has soiled the human dignity of women and families. Therefore, this study aims to investigate the context of prostitution from the perspective of prostituted women in Tehran. In this qualitative study, which was conducted using thematic analysis, 10 women involved in prostitution in Tehran were selected as the sample using purposive and snowball sampling methods. These individuals had distinctive individual, family, social, economic, and cultural characteristics. The data collection tool was a semi-structured interview, and data analysis was conducted by the content analysis method. According to the results, six main themes (family turmoil, improper relationships, social harm, economic problems, traumatic situations, and cultural and traditional problems) and 16 subthemes (homelessness, addiction in the

1. Corresponding Author. Email: a_zare@yazd.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license:

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Zare Shahabadi, A., Sadeghi Hardangi, M. and Jadidi, M. (2025). Body as a Tool Analysis of Prostitution from Perspective of Prostituted Women in Tehran: A Qualitative Study. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 22(2), 175-200. Doi: 10.22067/social.2025.92503.1620

family, emotional-sexual deprivation, crisis-avoidant marriage, traumatic social relationships, fear of commitment and responsibility, abnormal sexual activism, men's sexual view of women, low social status, low-paying jobs, gender gap and inequality in employment, poor economic status of family, workplace tainted with sexual issues, traumatic environment, weak traditions and modern lifestyle, and poor beliefs) emerged. Prostitution is a multi-factorial phenomenon that arises from troubled families, crime-prone environments, a damaged society, poverty, and a culture rife with contradictions. The research suggestions are focused on strengthening employment and economic equality for women, building culture and promoting social participation, and offering preventive and awareness-raising education to mitigate the harm of prostitution.

Keywords: Prostitution, Social Harm, Sex Trade, Prostitution Contexts, Tehran.



تن به مثابه ابزار، واکاوی بسترهای روسپیگری از دیدگاه زنان روسپی در تهران؛ یک مطالعه

کیفی

اکبر زارع شاه‌آبادی (استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، ایران، نویسنده مسئول)

a_zare@yazd.ac.ir

مرضیه صادقی هاردنگی (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی،

دانشگاه یزد، یزد، ایران)

marziyehsadeghi5@gmail.com

ملیحه جدیدی (کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، ایران)

malihejdidi@gmail.com

چکیده

روسپیگری پدیده‌ای است که از دیرباز در جوامع بشری نمود داشته و بیشترین تحقیر و عوارض آن عاید زنان خدمات‌دهنده جنسی بوده است. این عارضه اجتماعی علی‌رغم مزایای اقتصادی، پیامدهای مخربی برای جامعه داشته و حرمت انسانی زن و خانواده را در هم می‌شکند. از این رو هدف این پژوهش واکاوی بسترهای روسپیگری از دیدگاه زنان روسپی در تهران است. در این تحقیق کیفی که با روش تحلیل تماتیک انجام شده است، جامعه مورد مطالعه ۱۰ نفر از زنان درگیر در پدیده روسپیگری در شهر تهران بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی انتخاب شدند. این افراد از لحاظ ویژگی‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با یکدیگر تفاوت داشتند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بوده و داده‌ها با روش تحلیل مضمون تحلیل شده است. حاصل تحلیل داده‌ها، شش مضمون اصلی (آشناگی‌های خانوادگی، ارتباطات نامناسب، آسیب‌های اجتماعی، مشکلات اقتصادی، موقعیت‌های آسیب‌زا و معضلات فرهنگی و سنتی) و ۱۶ مضمون فرعی (بی‌سرپرستی، اعتیاد در خانواده، محرومیت عاطفی-جنسی، ازدواج بحران‌گريزانه، روابط اجتماعی آسیب‌زا، فرار از تعهد و مسئولیت، کنش‌وری هنجارشکنانه جنسی، نگاه جنسی مردان به

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و دوم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۲، صص ۲۰۰-۱۷۵

تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶

زنان، ناکامی در منزلت اجتماعی، ناکامی در اشتغال پردرآمد، شکاف و نابرابری جنسیتی در اشتغال، ضعف اقتصادی خانواده، محل کار آلوده به مسائل جنسی، محیط آسیب‌زا، ضعف سنت‌ها و سبک زندگی مدرن و ضعف اعتقادات)، است. روسپیگری پدیده‌ای چند عاملی است که از بطن خانواده‌های آشفته، محیط‌های جرم‌خیز، اجتماع آسیب‌دیده، فرهنگی مملو از تناقض و فقر سر برآورده است. پیشنهادهای این پژوهش بر تقویت اشتغال، برابری اقتصادی زنان، فرهنگ‌سازی و ارتقای مشارکت اجتماعی، آموزش پیشگیرانه و آگاهی‌بخش برای کاهش آسیب روسپیگری متمرکز است.

واژگان کلیدی: روسپیگری، آسیب اجتماعی، تجارت جنسی، بسترهای روسپیگری، تهران.

۱. مقدمه

انسان از دیرباز تاکنون در جهت بقای خود در تعامل با دیگر انسان‌ها و محیط خود به دنبال رفع نیازهایش بوده است. نیاز جنسی یکی از این نیازهای زیستی است که در طول تاریخ بشری با تغییرات و تحولات جوامع، اثرات شگرفی در مسائل فرهنگی و اجتماعی داشته و جامعه را متأثر از خویش کرده است. در سال‌های اخیر عمق تغییرات در ارضای این نیاز همراه با بروز آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی بیشتری بوده است. با توجه به اینکه ارزش‌های جامعه در حال تغییر است، تأمین نیاز جنسی نیز به فراخور این تغییرات کنش‌های متفاوتی را برانگیخته است. یکی از این کنش‌ها روسپیگری است که تاریخی به قدمت وجود بشری دارد و تأثیر این پدیده از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انکار نشدنی است. اما آیا این پدیده یک انحراف است؟ برای تشخیص انحرافات جنسی ضابطه‌ای دقیق و جهانی در دست نیست و در این زمینه جامعه‌شناسان، زیست‌شناسان و علمای علم اخلاق با یکدیگر توافق نظر ندارند. به‌طور مثال جامعه‌شناسان روش‌های لذت یا ارضای جنسی را که مورد قبول و تصویب جامعه نباشد، انحراف می‌دانند. آنتونی گیدنز^۱، روسپیگری را به‌عنوان برآوردن خواهش‌های جنسی در برابر پول تعریف کرده (گیدنز، ۱۳۸۳: ۲۷) و لایمن^۲ نیز آن را به‌عنوان هر مبادله

1. Anthony Giddens

2. Leimen

جنسی که با بهره جنسی و احساسی (برای عرضه کننده) همراه نیست، تعریف می کند. وی در تعریف روسپی می گوید: روسپیان کسانی هستند که بدن هایشان را در ازای دریافت یک بهره مادی نظیر لباس، آپارتمان و یا یک موقعیت یا سرگرمی مبادله می کنند و در همه این موارد، بدن آنها نقش یک کالا را ایفا می کند.

در برخی جوامع پدیده فحشا یک شغل در نظر گرفته شده و توسط سایر نهادهای اجتماعی پذیرفته شده است. امروزه اسکورت سرویس یا همان روسپیگری سازمان یافته دومین صنعت درآمد غیرقانونی در دنیا است و نزدیک به ۴۰ میلیون کارگر جنسی زیر نظر مافیای قدرت مشغول به کار هستند. در مقابل، در جوامع دیگر فحشا پدیده ای نامشروع و غیرقانونی شناخته شده و برای فاحشه ها مجازات قانونی در نظر گرفته شده است (احمدی، ۱۳۸۹: ۲۱۸).

این پدیده در شهرهای بزرگ و مهاجرپذیری چون تهران بیشتر به چشم می خورد. در سال های اخیر با گذر در برخی از مناطق شهر تهران با زنان و دختران جوان در سطح خیابان و معابر عمومی مواجه می شویم که با حرکت در خیابان و ایستادن در مناطق خاص شهر به خودنمایی مشغولند. روسپیان که در انظار عمومی به معامله جنسی با مشتریان خود می پردازند. پژوهش های اطلس کیفیت زندگی در شهر تهران که معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران آن را منتشر کرده است، تصریح می کند که در ۳۳۵ محله مورد بررسی، در ۲۴ محله فراوانی زنان خیابانی از دیدگاه شهروندان بیشتر از حد متوسط بوده است. این گزارش اما الگوی خاصی را در مورد زنان خیابانی ارائه نمی کند، چراکه به گفته این گزارش، هم مناطق شمالی (منطقه ۲) و هم مناطق جنوبی شهر (۱۷ و ۲۰) در زمره مناطقی هستند که بیشترین آمار زنان خیابانی را داشته اند. در کنار روسپیگری خیابانی که از آن می توان با عنوان فاحشه های سنتی یاد کرد، در عصر تکنولوژی و گسترش شبکه های اجتماعی شاهد ظهور روسپیگری آنلاین و مدرن هستیم که به دلیل دسترسی سریع و آسان مشتری به آنها، می تواند یکی از علت های مهم در گسترش این مسئله اجتماعی باشد. در خصوص روسپیگری مطالعات متعددی صورت گرفته است.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲.۱. پیشینه پژوهش

خالدی و همکاران (۹۳-۹۴)، با کارکنان مرکز مشاوره زنان آسیب‌پذیر شامل مدیر، ماما، مشاور و مددکار اجتماعی مصاحبه کردند. یافته‌ها حاکی از آن است که عدم تمایل شرکای جنسی به استفاده از وسایل کاهش آسیب، عدم پایبندی مردان به پرداخت هزینه‌های تن‌فروشی، خشونت، آسیب‌های جنسی و جسمی، درخواست تماس‌های جنسی نامتعارف، سوءاستفاده و وارد شدن به مصرف مواد مخدر و مشروبات، از جمله عمده‌ترین تجربیات و رفتارهای پرخطری بود که زنان تن‌فروش با آن مواجه شده بودند. سبک زندگی بسیار متفاوت زنان روسپی، نوع متفاوت نگرش آنان به نیازهای زیستی، روابط اجتماعی و اعتقادات مذهبی، انحرافات جنسی‌ای که به‌طور روزمره تجربه می‌کنند و داغ‌نگی که به واسطه این نوع سبک زندگی بر پیشانی آنها نقش بسته از جمله مواردی است که از تجربه زیسته زنان روسپی جداشدنی است. نقش شگرف خانواده در ورود و پیشروی زنان در وادی روسپیگری تلفیقی از نظریه کنترل هیرشی^۱ و پیوند افتراقی ساترلند^۲ و کرسی^۳ را تأیید کرد (ربانی خوراسگانی و قانع‌آبادی، ۱۳۹۴). یافته‌های شکرپیگی و قزوینه (۱۳۹۵)، چهار عامل: فقر اقتصادی خانواده، اجبار از جانب همسر برای تأمین مواد مخدر، جنبه تفریحی به خاطر قمار، کسب درآمد بیشتر و در نظر گرفتن آن به‌عنوان یک شغل همانند شغل‌های دیگر را به‌عنوان دلایل روسپیگری نشان داد. با در نظر گرفتن نتیجه مطالعه به نظر می‌رسد این پدیده از فقر فرهنگی بیشتر از فقر اقتصادی متأثر باشد. فرمپین‌فراهانی (۱۳۹۶)، نشان داد که بین وضعیت مساعد اقتصادی، خانوادگی و زیستی-روانی زنان روسپی و ارتکاب روسپی‌گری توسط آنها، ارتباط معناداری وجود دارد.

1. Hirschi
2. Sutherland
3. Kersey

از سوی دیگر جدا شدن از خانواده پدری در سال‌های اول بلوغ دختران موجب نابسامانی و سرگردانی بسیاری از دختران جوان و پیشامدهای ناگوار در زمینه روابط جنسی برای آنان شده است؛ چون این‌گونه دختران هیچ‌گونه پناهگاه و راهنمایی ندارند، خود به خود به سوی روسپیگری سوق داده می‌شوند. به علاوه اکثریت قریب به اتفاق جدایی از خانواده‌ها، به علت ازدواج نامناسب بوده که پس از آن با شکست مواجه شده و سرانجام به روسپیگری منتهی گردیده است. غالباً علت این ازدواج‌های نامناسب عدم توافق فکری و اخلاقی، اختلاف سن زوجین و فشار والدین برای شوهر دادن فرزندان خود در سنین خیلی پایین بوده است. جهل و نادانی و پایین بودن سطح سواد و فرهنگ والدین و تصمیمات خشک پدران عامل مهمی است که می‌توان آن را به‌عنوان یک انگیزه تلقی نمود. از سوی دیگر فقدان سازمان‌ها و قوانین حمایت‌کننده از زنان جوان بی‌سرپرست به نوبه خود راه را برای گرایش این قبیل زنان به سوی فحشاء هموار ساخته است. همچنین نواقصی که در مواد قانونی مربوط به فحشاء وجود دارد خود عاملی مهم است. سواد این‌گونه زنان نیز در سطح بسیار پایینی قرار دارد و با پذیرش هم‌بستگی میان سواد و فرهنگ می‌توان گفت پایین بودن سطح فرهنگ و فقدان وجدان اجتماعی و اخلاقی مشکلاتی را در ایجاد این آسیب اجتماعی پدید می‌آورد. وجود واسطه‌ها و دلالان فحشاء و دیگر کسانی که از این راه امرار معاش می‌کنند یکی دیگر از عوامل مهم تشدیدکننده این پدیده به شمار می‌آید (یاوری و ده‌آبادی، ۱۳۹۶).

میرابی و فولادیان (۱۳۹۸) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که شرایط نامناسب خانواده پدری و زندگی زناشویی این زنان زمینه‌ساز مشکلات متعدد مالی، عاطفی و جنسی در آنهاست. به‌طور کلی نتایج نشان می‌دهد مشکلات عاطفی، مالی و جنسی اولویت‌های اول را در گرایش هر دو زنان مجرد و متأهل به روسپیگری دارند.

"زنان مهاجر چین در صنعت سکس: بررسی ورود آنها"، عنوان تحقیقی است که لیو^۱ (۲۰۱۲) به انجام رسانیده است. وی با ۴۰ زن روسپی از مکان‌های مختلف مصاحبه عمیق انجام داده است. بررسی ویژگی‌های زنان و زندگی آنان در کودکی نشان داد که آنها از خانواده‌های طبقه پایین و فقیر بودند. در این مطالعه ارتباطی بین روسپیگری و خشونت خانگی، تجاوز و روابط منفی با والدین کشف نشد.

آرگنتو^۲ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی که بر روی زنان ارائه‌دهنده خدمات جنسی انجام دادند، نشان دادند این زنان نابرابری‌های اجتماعی و بهداشتی زیادی ناشی از اشکال خشونت، ننگ و جرم را تجربه کرده‌اند. از ۸۶۷ زن در ابتدای مطالعه، ۴۸٪ (۴۱۳ نفر) خودکشی را در طول زندگی، ۱۶٪ (۱۴۱ نفر) در ۶ ماه گذشته و ۲۹٪ خودکشی را در برخی موارد گزارش کردند.

گریتنر^۳ و سیتز (۲۰۱۹) دریافته‌اند که تجزیه و تحلیل مبتنی بر مکان، درک جدیدی از کار جنسی و عدالت مکانی ایجاد می‌کند. این دو پژوهشگر راه‌هایی را برای ادغام تئوری مکان در تحقیقات جنسی و بورس تحصیلی در حوزه کار اجتماعی در نظر گرفته و در نهایت خواستار تحقیق، سیاست و عملی شده‌اند که نشان‌دهنده ظلم و فشار اجتماعی و مکانی بر کارگران جنسی است.

ساهو^۴ (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که جامعه هند از نظر ماهیت چند فرهنگی است؛ عوامل اجتماعی - فرهنگی و سیاسی متنوع که در جامعه فعالیت می‌کنند معمولاً نوعی از هنجارها را ایجاد کرده و تسلط خود را برقرار می‌کنند، همزمان نیز با مشخص نمودن هویت بهنجار، هویت «دیگری» را ایجاد می‌کنند. دیگری یک هویت مفرد یکپارچه نیست بلکه هویت‌های چندگانه‌ای است که با طبقه، جنسیت، مذهب و غیره مرتبط است. در میان هویت‌های زنانه موجود، جنسیت زن درگیر در چندین لایه قدرت / عدم قدرت است که باعث می‌شود گروهی از زنان نسبت به گروه دیگر آسیب‌پذیرتر

1. Liu

2. Argento

3. Grittner

4. Sahu

باشند، درحالی که برخی مانند کارگران جنسی به دلیل هویت فاش شده‌شان با محرومیت روبه‌رو هستند؛ از آن رو که عدم شناخت هرگونه هویت خاص می‌تواند بیشتر گروهی از افراد جامعه را از بین ببرد. ساهو فرایندی را توضیح می‌دهد که از طریق آن دولت به محرومیت‌های اجتماعی مربوط به جنسیت، کار و تمایلات جنسی دامن می‌زند.

اگرچه این مطالعات ریشه‌ها و علل روسپیگری را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما بررسی این عارضه از دیدگاه زنان درگیر در آن اطلاعات عمیق‌تری را به ما منتقل می‌کند که پرکننده شکاف میان اطلاعات موجود از این آسیب و واقعیت زیسته افراد درگیر است. با توجه به گسترش روز افزون فحشا در جوامع، ریشه‌یابی علل این مسئله اجتماعی، می‌تواند در اتخاذ راهبردهای مناسب برای مقابله با این پدیده و بالا بردن سطح سلامت جامعه مؤثر باشد. از دلایل اهمیت پرداختن به این موضوع می‌توان به پایین آمدن سن فحشا و گسترش پدیده روسپیگری به‌ویژه در شهر تهران اشاره کرد. پرداختن به روسپیگری بدین لحاظ ضروری است که این امر یک پدیده فردی نیست بلکه یک پدیده اجتماعی است، از این رو آثار بسیار زیان‌باری برای جامعه در بر خواهد داشت. فرد روسپی خود و جامعه بزرگ‌تر را درگیر می‌کند و در سطح کلان منجر به خطر افتادن سلامت جامعه و نابسامانی‌های اجتماعی می‌گردد. در سطح میانه به خانواده و اطرافیان فرد آسیب می‌رساند و در سطح خرد، برای شخص روسپی افسردگی و به تبع آن خودکشی، اعتیاد، و مشکلات عمیق جسمی، مانند بیماری‌های عفونی، مقاربتی، ایدز و هپاتیت به همراه می‌آورد.

برای مقابله با این پدیده، ابتدا می‌بایست زمینه‌های شکل‌گیری آن شناسایی شود، در غیر این صورت هر درمانی ولو با صرف هزینه‌های هنگفت، تسکین‌بخش و مقطعی است نه درمان قطعی. دستیابی به درک این گروه از زنان منجر به شناخت دقیق‌تر از این عوامل تأثیرگذار می‌شود. همان‌طور که در علم پزشکی پیشگیری از بیماری بهتر از درمان پس از بیمار شدن است. جلوگیری از وقوع آسیب‌های اجتماعی و ارتکاب جرم نیز برای داشتن جامعه‌ای با حداقل انحرافات اجتماعی

ضروری است که بدون شناخت و شفافیت‌سازی وضعیت موجود امکان‌پذیر نیست. در کشور ایران، گرچه از روسپی‌گری به‌عنوان جرم در قانون یاد نشده اما به دلیل ممنوع بودن آن و برخوردهای دولت، به این پدیده به‌طور رسمی و سازمانی پرداخته نمی‌شود و این امر سبب عدم شناخت و درک عوامل مسبب شکل‌گیری آن می‌شود. لذا هر راهکاری بدون شناخت مسئله، نتیجه‌محور و موفقیت‌آمیز نخواهد بود. این پژوهش مدعی است که با واکاوی بسترهای پدیده روسپی‌گری از دیدگاه زنان روسپی می‌تواند برای نهادهای مرتبط با مسائل زنان، حوزه سلامت جنسی، مراکز بازپروری الگوی حل مسئله مناسبی را ارائه دهد.

۲.۲. چهارچوب نظری پژوهش

واقعیت‌های اجتماعی نیاز به علمی جامعه‌شناختی دارند تا درک شوند (همیلتون^۱، ۱۳۸۰: ۱۸۰). مسائل مربوط به حوزه جنسی نیز به مثابه واقعیتی اجتماعی از این امر مستثنی نیستند، به‌ویژه پدیده روسپی‌گری که قدمتی کهن دارد و تحت تأثیر زمینه‌های متعددی بوده است. به‌طور مثال، کلمن^۲ (۱۹۸۸) با تأکید بر سرمایه اجتماعی در میان اعضای خانواده معتقد بود که تغییرات ساختاری در خانواده، (همچون: طلاق، بی‌سرپرستی و دیگر نابسامانی‌ها)، فرصت حضور والدین را از آنان می‌گیرد در نتیجه تحقق جامعه‌پذیری، امکان شکل‌گیری پیوندهای عاطفی پایدار، معقول و اثربخش در بین اعضای خانواده ایجاد نمی‌شود و روابط از حالت تعادل خارج می‌گردد و زمینه برای گسیختگی عاطفی و روانی اعضا از خانواده فراهم می‌شود. بنابراین خیابانی شدن زنان، تابعی از گسیختگی ساختاری خانواده و روابط نامطلوب درون آن است (کلمن، ۱۹۸۸). به اعتقاد دورکیم^۳ جامعه آنومیک^۴ یا بی‌سازمانی جامعه‌ای است که مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های متضاد با یکدیگر در خود داشته و فاقد خطوط راهنمای روشن و پایداری برای مردم

1. Hamilton
2. Coleman
3. Durkheim
4. Anomie

به منظور یادگیری و درونی کردن هنجارهاست. در مرحله گذار، فرد دچار حالتی است که دورکیم از آن به "بی‌هنجاری" تعبیر می‌کند. در چنین شرایطی از آنجا که فرد هنجار و الگوی رفتاری ندارد رفتارهای پیش‌بینی‌ناپذیر به‌ویژه کنش‌های انحرافی اجتماعی دارد. در چنین شرایط اجتماعی، زمینه گرایش به فحشا و روسپیگری افزایش می‌یابد (مدنی، ۱۳۹۵: ۱۱۰). در دوره‌های بحران اقتصادی، بحران روی جامعه تأثیر می‌گذارد و جامعه نمی‌تواند تنظیم‌گر مناسبی برای فعالیت‌های انسان باشد. به اعتقاد دورکیم در یک اقتصاد آنومیک در دوره‌های بحران‌های اقتصادی رفتار خودخواهانه در جامعه توسعه می‌یابد، زیرا در چنین شرایط اقتصادی افراد از انجام رفتار متعادل و میانه‌رو و رعایت نظم اخلاقی آزاد شده و در حالتی از رقابت شدید با یکدیگر قرار می‌گیرند (احمدی، ۱۳۸۹: ۴۵). در این وضعیت، هنجارها و قواعد تنظیم‌کننده رفتار، کارایی خود را در مقابل تغییرات اجتماعی سریع از دست داده و جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی می‌شود؛ به گونه‌ای که مرزهای رفتار مشروع و نامشروع، سنجیده و ناسنجیده از بین می‌رود و جرم و بزهکاری افزایش می‌یابد (ساچار، ۱۹۷۸؛ به نقل از احمدی، ۱۳۸۹: ۴۶).

بی‌هنجاری، حاصل وضعیت آشفته‌ای است که هنجارها از بین رفته، یا در تضاد قرار گرفته‌اند. جوامعی که در آنها به‌طور گسترده "بی‌هنجاری" وجود داشته باشد، در خطر تلاشی قرار می‌گیرند، زیرا اعضای آن جامعه برای نیل به مقاصد مشترک خطوط راهنما در اختیار ندارند و اغلب مواقع احساس جدایی و بی‌توجهی می‌کنند (ستوده، ۱۳۷۴: ۱۳۶).

به نظر مرتون، جوامع صنعتی جدید بر توفیقات مادی در زندگی تأکید دارند که به شکل انباشت ثروت و تحصیلات علمی به‌عنوان مهم‌ترین اهداف زندگی شخص و معیارهای منزلتی تجلی می‌کنند. دستیابی به این اهداف مقبول اجتماعی نیاز به ابزارهای مقبولی هم دارد که البته از دسترس جمعی از افراد جامعه خارج است، یعنی جامعه طوری ساخت یافته که طبقات فرودست، فرصت‌های کمتری

برای تحقق آرزوهای خود دارند. مرتون تأکید دارد که واکنش همه افراد نسبت به فشارهای وارده اجتماعی به علت دسترسی نداشتن به فرصت‌های مشروع برای تحقق اهداف، مشابه نیست و همه فرودستان برای دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی کج رفتاری نمی‌کنند و هر کس به طریقی خود را با محیط سازگار می‌کند. به نظر وی دسته‌ای از فرودستان نوآورد و در سازگاری نابهنجار محیط خود با محیط (که موضوع اصلی نظریه فشار است) از ابزارهای نامشروع بهره می‌گیرند (صدیق سروستانی، ۱۳۹۰: ۴۵-۴۴). بنابراین، در جوامعی که هدف‌ها به شدت مورد تأکید قرار می‌گیرد ولی چندان اهمیتی به وسایل نمی‌دهند، افراد و ادار می‌شوند تا از لحاظ فوت و فن کار آمدترین وسایل را برای رسیدن به هدف‌ها اختیار کنند- حتی اگر وسایل نامشروع باشد مانند روسپیگری (ستوده، ۱۳۷۴: ۱۳۷).

نظریه فشار عمومی، سعی می‌کند تا وقوع آسیب‌ها و جرایم اجتماعی را ناشی از فشاری تبیین کند که فرد در زندگی با آن روبه‌رو می‌شود. اگنیو (۱۹۹۲) بیان می‌کند که بزهکاری، نتیجه مستقیم تأثیرگذاری منفی خشم، ناکامی و احساسات مضر و زیان‌آور است که به دنبال مناسبات اجتماعی مخرب و منفی به وجود می‌آید. در نظریه‌های فشار، نقش فشارهای اقتصادی از برجستگی بالایی برخوردار است. در نظریه فشار اگنیو، منابع اصلی فشارها عبارت‌اند از: فشار ایجادشده به سبب دسترسی نداشتن به اهداف ارزشمند مثبت، فشار در نتیجه حذف انگیزه‌های ارزشمند مثبت از افراد و فشار در نتیجه وجود انگیزه‌های منفی (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۶).

۳. روش پژوهش

این پژوهش کیفی، با روش تحلیل مضمون انجام شده است. در این تحقیق به دنبال واکاوی بسترهای روسپیگری از دیدگاه زنان روسپی ساکن در شهر تهران بوده‌ایم. مشارکت‌کنندگان این پژوهش، زنان بالای ۲۴ سال بودند که تجربه عرضه خدمات جنسی در قبال دریافت پول در ۱۲ ماه گذشته داشته‌اند.

نمونه‌ها نیز به دو روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ و گلوله‌برفی گردآوری شده است. پژوهشگر با مراجعه به مرکز بازپروری ارشاد زیر نظر اداره بهزیستی تهران، سالن‌های ماساژ، پرس و جو از مشتریان چنین خدماتی و همچنین حضور در خیابان‌های شناخته شده تهران که محل حضور خدمات‌دهندگان جنسی هستند، اقدام به انتخاب و مصاحبه با مشارکت‌کنندگان نموده و برای انجام مصاحبه نیز هزینه پرداخت نموده است. در نهایت با ۱۰ نفر از زنان روسپی ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران که به لحاظ ویژگی‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با هم تفاوت داشتند، به اشباع نظری دست یافتیم و این مشارکت‌کنندگان مورد مصاحبه‌ای عمیق قرار گرفتند. مشخصات مشارکت‌کنندگان در جدول شماره یک قابل مشاهده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی و سابقه فعالیت جنسی مشارکت‌کنندگان این پژوهش

ردیف	نام مستعار	سن	تحصیلات	وضعیت تاهل	وضعیت شغلی	سن اولین تجربه جنسی*	سن اولین تجربه تن فروشی	سابقه تن فروشی
۱	معصومه	۲۵	فوق‌دیپلم	متاهل	پرسنل خط تولید	۱۹	۲۳	۲
۲	باران	۳۰	دیپلم	مجرد	-	۱۶	۲۰	۱۰
۳	نرگس	۳۳	سوم راهنمایی	مطلقه	-	۱۶	۲۴	۹
۴	مژگان	۳۳	کارشناسی	مجرد	هوشبری	۲۵	۲۷	۶
۵	آتنا	۳۴	سوم راهنمایی	بیوه	-	۱۵	۲۹	۴
۶	پروین	۴۲	سوم راهنمایی	مطلقه	پرستار کودک	۱۶	۳۳	۹

1. Purposeful sampling

ردیف	نام مستعار	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	وضعیت شغلی	سن اولین تجربه جنسی*	سن اولین تجربه تن فروشی	سابقه تن فروشی
۷	مریم	۲۶	دیپلم	مجرد	ماسور	۱۸	۲۰	۲
۸	شیرین	۴۲	دیپلم	مطلقه	-	۲۲	۳۶	۶
۹	سپیده	۲۴	دیپلم	مجرد	ماسور	۱۷	۱۹	۵
۱۰	آزاده	۲۶	کارشناسی	مجرد	کارشناس فروش لوازم آرایشی و بهداشتی	۱۹	۲۲	۴

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون براون و کلارک^۱ (۲۰۱۶)، استفاده شد. در ابتدا متن مصاحبه‌ها رونویسی شد. در مرحله دوم کدهای اولیه مشخص و کدگذاری انجام شد. در سومین مرحله از این پژوهش به جستجو و شناخت مضامین پرداخته شد. در گام چهارم شبکه مضامین با استفاده از مضامینی که در گام قبل شناخته شده بودند، ترسیم شد و در گام پنجم مورد تحلیل قرار گرفت و سرانجام در گام ششم گزارش مربوط تدوین شد.

به منظور اعتباریابی پژوهش از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا یافته‌های کلی مطالعه را ارزیابی کرده و در مورد آن نظر دهند. از روش بازرسی خارجی که نظارت اساتید راهنما بر تمام مراحل پژوهش است نیز استفاده شد. در راستای انتقال‌پذیری در طول توصیف روش در این پژوهش، سعی کردیم تا آنجا که ممکن است توضیحات غنی به‌ویژه در مورد مفروضات اصلی خود درج کنیم تا انتقال داده‌ها برای پژوهشگران آینده معنی‌دار باشد. در این مطالعه، رونوشتی از مصاحبه‌ها تهیه و تمام یادداشت‌ها حفظ و در فرآیند تحلیل داده‌ها گنجانده شده است. علاوه بر این، مصاحبه‌های

1. Braun, Clarke

پیگیری به عنوان نوعی حسابرسی انجام شد که در آن مشارکت‌کنندگان قابلیت اطمینان از ادعاهای پژوهشگر را آزمایش کردند. نظارت اساتید مربوطه نیز راهی برای افزایش قابلیت اطمینان بود. ملاک تأییدپذیری در پژوهش کیفی این اطمینان را تأمین می‌کند که داده‌ها، تفسیرها و نتایج را می‌توان تا منابع‌شان ردگیری کرد (لینکلن و گوبا، ۲۰۰۰). در نهایت نتایج با اساتید مربوطه و افرادی که درگیر روند پژوهش نبودند، به بحث گذاشته شد و مورد بررسی قرار گرفت.

در این پژوهش به زنان مشارکت‌کننده اطلاعات کامل در مورد هدف از این پژوهش و حتی گاه توضیحات بیشتری در مورد روند پژوهش ارائه و همچنین به آنان حق انصراف از روند پژوهش در ابتدای هر مصاحبه توضیح داده شد. متن مصاحبه نیز حین گفتگو یادداشت شد و هیچ کدام از مصاحبه‌ها به دلیل عدم رضایت مشارکت‌کننده ضبط نشد.

در این مطالعه نیز از اسامی مستعار برای بانوان مشارکت‌کننده به انتخاب خود آنان استفاده نمودیم. همچنین به دلیل حساسیت موضوع، برای جلوگیری از ایجاد پریشانی عاطفی، ناراحتی، شرم و اضطراب، سعی شد مصاحبه‌ها در محلی به دور از محل فعالیت مشارکت‌کننده و در کافی‌شاپ یا فضای سبز صورت گیرد.

۴. یافته‌های پژوهش

در نهایت پس از تحلیل داده‌ها در این پژوهش، ۶ مضمون اصلی و همچنین ۱۶ مضمون فرعی استخراج گردید که در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲. خلاصه‌ای از مضامین استخراج شده از این پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش

ردیف	مفاهیم	مضامین فرعی	مضامین اصلی
۱	مرگ پدر و مادر در نوجوانی، طلاق از همسر، رها شدن از سوی همسر، طررد از سوی خانواده مرگ همسر، بی‌خانمان شدن، از دست دادن پدر در کودکی	بی‌سرپرستی	آشنفتگی های خانوادگی
	اعتیاد به مواد مخدر، برادر معتاد، همسر معتاد دوستان معتاد، تأمین پول مواد، اعتیاد ناآگانه به مواد مخدر، دستگیری مادر به جرم حمل مواد مخدر، اعتیاد پدر	اعتیاد در خانواده	
	عدم ارتباط همدلانه با پدر، کمبود محبت محرومیت جنسی حین تأهل، محرومیت عاطفی زناشویی، فقدان محبت والدین، مرگ پدر و فقدان محبت او، کمبود محبت و توجه از سوی مادر خشونت رفتاری همسر، عدم تناسب روحی با همسر، عدم توجه و مراقبت خانواده، ترس از تنهایی، عدم تعهد جنسی شریک جنسی	محرومیت عاطفی-جنسی	
۱	ازدواج در سن کم، ازدواج برای پنهان کردن باکره نبودن، فرار از خانه با ازدواج، ازدواج با فرد معتاد	ازدواج بحران گریزانه	ارتباطات نامناسب
	فرار خواهر با مرد متأهل، دوره‌های مختلط، دوستی با روسپی، آشنایی از طریق دوست	روابط اجتماعی آسیب‌زا	
۲	عدم پذیرش تعهدات زندگی زناشویی، عدم پذیرش انحصار جنسی، عدم پذیرش قیود رابطه رسمی	فرار از تعهد و مسئولیت	آشنفتگی اجتماعی
	کنجکاوی جنسی، تجربه عشق نوجوانی، کشف جنسی بدن با هم‌جنس، تجربه معاشقه در برخی محل‌های عمومی، داشتن شریک جنسی قبل از ازدواج، سیری‌ناپذیری نسبت به مسائل غریزی، دوستی با جنس مخالف، سکس با دوست‌پسر	کش‌وری هنجارشکنانه جنسی	
	دید جنسی جامعه به زنان مطلقه، تأیید جنسی از سوی مردان، آزار جنسی، سکس‌طلبی مردان در روابط عاطفی	نگاه جنسی مردان به زنان	

ردیف	مفاهیم	مضامین فرعی	مضامین اصلی
	تلاش برای داشتن منزل شخصی، تنفر از متوسط بودن، افزایش انتظارات مالی، شکاف بین درآمد و رفاه مورد نظر، خو گرفتن به زندگی تجملاتی ناکامی تلاش برای داشتن یک تخصص، نداشتن مهارت تخصصی، تحصیلات پایین، بی‌انگیزی ناشی از بی‌هدفی	ناکامی در منزلت اجتماعی	
۳	عادت به درآمد بالای تن فروشی، دغدغه شغل پر درآمد، نداشتن حامی مالی، نداشتن حامی مالی بعد از طلاق	ناکامی در اشتغال پردرآمد	مشکلات اقتصادی
	شکاف جنسیتی اشتغال، شکاف بین کار و درآمد نابرابری دستمزدهای کاری	شکاف و نابرابری جنسیتی در اشتغال	
	سرپرست خانوار شدن مادر، مهیا نبودن شرایط اقتصادی برای ازدواج، از کار افتادگی پدر، فقر مالی خانواده، خانواده پرجمعیت، وضعیت مالی ضعیف	ضعف اقتصادی خانواده	
۴	پیشنهاد سکس از طرف مدیر، پیشنهاد رابطه با صیغه در محل کار، انتظارات جنسی از زنان شاغل، پیشنهاد رابطه از سوی همکار، ارتباط جنسی با همکار سکونت در محله‌های جرم‌خیز، کار در خانه‌های مناطق بالای شهر، سکونت در منزل افراد روسپی	محل کار آلوده به مسائل جنسی	موقعیت های آسیب‌زا
	سکونت در محله‌های جرم‌خیز، کار در خانه‌های مناطق بالای شهر، سکونت در منزل افراد روسپی	محیط آسیب‌زا	
۵	سبک زندگی متفاوت با عرف، عدم پذیرش بایدهای سنتی، تغییر در سبک زندگی	ضعف سنت‌ها و سبک زندگی مدرن	معضلات سنتی و فرهنگی
	علاقه‌های ضعیف مذهبی، ضعف اعتقادی، بی‌توجهی به آموزه‌های دینی	ضعف اعتقادات	

۱.۴. مضمون اول: آشفته‌گی‌های خانوادگی

خانواده اولین و آخرین پناهگاه امن انسان است. در این جهان پر آشوب که سودای پیکار در آن بیداد می‌کند، خانه می‌تواند سرپناهی باشد که فرد را از آسیب‌های فردی و اجتماعی محفوظ بدارد. حال فردی که در چنین جامعه‌ای بی‌سرپناه می‌شود در معرض انواع ناهنجاری‌های اجتماعی قرار می‌گیرد، به خصوص زنان که در ساختارهای نابرابر ساز جنسیتی، بیشتر در معرض این آسیب‌ها قرار دارند. بی‌سرپرست شدن به هر دلیلی، اعتیاد در خانواده و محرومیت‌های عاطفی و جنسی در نهاد خانواده زنان را برای تأمین بسیاری از نیازهایشان به سمت این آسیب اجتماعی سوق می‌دهد. در جامعه‌ای که به زنان آموخته‌اند بدون تکیه‌گاه توان گذران زندگی را نخواهند داشت، بی‌خانمان شدن و بی‌سرپرستی می‌تواند آغازی برای انحرافات اجتماعی باشد. زنی که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی قبل از ازدواج به خانواده و پس از ازدواج به همسرش وابسته است، طرد شدن از سوی چنین تکیه‌گاهی، دغدغه‌های نیازهای اولیه را به همراه خواهد داشت.

از سوی دیگر، اعتیاد و تن‌فروشی همواره یک رابطه دو سویه داشته‌اند. از یک طرف فقر و نیاز به تأمین مواد مخدر باعث تن‌فروشی می‌شود، و از طرف دیگر ممکن است تن‌فروش به علت مصرف مواد برای مقابله با فشارهای جسمی و روانی که تن‌فروشان با آن دست به‌گریبانند، به اعتیاد دچار شود. زنی که تن‌فروشی می‌کند غالباً احساس گناه می‌کند، بنابراین برای آرامش و فرار از عذاب وجدان به مصرف مواد روی می‌آورد، یا زن معتادی که سرپناه و درآمد ندارد، برای تأمین مواد مخدر ممکن است تن به هرکاری بدهد. با این حال نباید از انتقال الگوهای رفتاری پدر و مادر معتاد به فرزندان نیز چشم‌پوشی کرد.

به‌طور کلی، خانواده نقش مهمی در تربیت روحی و روانی فرزندان دارد. حضور پدر و مادر برای فرزندان از اهمیت خاصی برخوردار است. پدر در خانواده می‌تواند راهنمای فکری خوبی برای فرزندان خود باشد. در جامعه ما نقش حمایتی پدر فقط جنبه تأمین مخارج خانواده نیست، بلکه حمایت معنوی پدر هم حائز اهمیت است و مادر نیز مؤثرترین عامل تربیت و تأمین‌کننده

سلامت روحی، روانی و جسمانی فرزندان محسوب می‌شود. گاهی افراد به دلیل نداشتن آگاهی راه‌های اشتباهی برای برطرف کردن کمبود عاطفی خود انتخاب می‌کنند که در مواردی این راه برقراری رابطه جنسی با افرادی است که این کمبودها را تأمین می‌کنند.

مصاحبه‌شونده کد ۳:

"نک دختر بودم و کوچکتر از همه، چهار تا برادر داشتم برادر بزرگم که معتاد شد سه برادر دیگرم بعد از بزرگ شدن جا پای او گذاشتن، دو تا از برادرهایم را به خاطر اعتیاد از دست دادم. وقتی درگیر مواد شدم پدر نداشتم مادرم درگیر کار بود و کسی نبود که جلوی من را بگیرد."

مصاحبه‌شونده کد ۱:

"۱۵ سالم بود که بابا و مامانم را در یک تصادف از دست دادم، من و برادر کوچکم تنها شدیم... ۱۹ سالم بود که ازدواج کردم و مثل همه آدم‌ها زندگی خود را شروع کردم، دو سال بعد من و همسرم از هم جدا شدیم چون هنوز بچه‌دار نشده بودم و خانواده‌اش فکر می‌کردند نازا هستیم. بالاخره توی یه کارگاهی کار پیدا کردم... درآمدش طوری نبود که بتوانم برای خودم خانه اجاره کنم. صبح تا شب کار می‌کردم اما هیچ پولی برای من باقی نمی‌ماند. یک همکاری داشتم که او هم قصد جدایی داشت. رابطه ما با هم صمیمی شد... یک ماه بعد بهم پیشنهاد داد که با هم زندگی کنیم قبول کردم و یک مدت با هم زندگی کردیم."

۲.۴. مضمون دوم: ارتباطات نامناسب

برقراری ارتباطات اجتماعی سالم و مناسب یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که هر فرد در زندگی اجتماعی خود می‌بایست مورد توجه قرار دهد، زیرا این ارتباط می‌تواند زمینه پیشرفت و حتی انحطاط و سقوط در ورطه آسیب‌ها را برای فرد به همراه داشته باشد.

انتخاب دوست و انتخاب همسر هر دو اهمیت فراوانی دارند و می‌توانند زنان را به سمت روسپیگری سوق دهند. اگرچه نقش دوستان همواره مورد تأکید بوده است و نمی‌توان در این پدیده نیز آن را نادیده گرفت اما ازدواج و انتخاب همسر تأثیر بیشتری خواهد داشت. یک ازدواج، مناسب‌ترین زمینه برای تأمین نیازهای روانی، عاطفی و جنسی هر فرد است. انتخاب همسر باید براساس معیارهای اصولی باشد. در واقع ازدواج سالم زمینه‌ساز آینده‌ای بهتر است. لذا ازدواج هم از منظر فردی و هم اجتماعی حائز اهمیت است و اگر این نیاز به درستی تأمین نشود می‌تواند راه را برای ناهنجاری‌های اجتماعی هموار سازد.

مصاحبه‌شونده کد ۸:

"در ۱۹ سالگی با برادر دوستم که تحصیل کرده و دارای اقامت اسپانیا بود، آشنا شدم... رابطه عاشقانه‌ای بین ما شکل گرفت و تصمیم گرفتیم ازدواج کنیم اما خانواده‌ام مخالف بودند چون معتاد بود. چون دوستش داشتم با وجود مخالفت خانواده باهاش ازدواج کردم. همسرم گهگاهی به خاطر کارش می‌رفت مأموریت. منم در نبودش از سرکنجکاوی می‌رفتم سرموادی که توی خونه داشت و امتحان می‌کردم. مدت‌ها با فاصله طولانی این کار را می‌کردم... تا اینکه کم‌کم و غیرارادی معتاد شدم و فاصله مصرف هر وئین کم شد... یک روز همسرم به‌طور اتفاقی و در حال مواد کشیدن آمد خانه و متوجه اعتیاد من شد، با وجود اینکه خودش معتاد بود ولی سر این مسئله من را با وجود داشتن یک فرزند سه و یک ساله رها کرد و رفت..."

۳.۴. مضمون سوم: آشننگی اجتماعی

مشکلات و معضلات اجتماعی خود به‌عنوان عاملی اساسی در شکل‌گیری دیگر عارضه‌ها همچون روسپیگری شناخته شده هستند. یکی از خصوصیات آسیب‌زا در انسان، نیاز مداوم به تغییر در سبک زندگی و عدم تکرارگزینی است. تنوع‌طلبی یک ویژگی بنیادی در آدمی است که باید در

بسیاری از موارد آن را تحت مدیریت و کنترل درآورد و به گونه‌ای برایش محدودیت قائل شد. در صورت عدم کنترل این ویژگی، نوعی دلزدگی نسبت به امور زندگی و نبود رضایت بیرونی و درونی در انسان شکل می‌گیرد که در نهایت منتج به فروپاشی شخص و روابط او با دیگران می‌شود؛ چراکه این افراد فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند، پس از مدتی برایشان تکراری و ملال‌آور می‌شود. چنین امری در برقراری روابط جنسی با افراد متعدد نیز صدق می‌کند. باین‌حال فرد با جهان‌بینی مختص به خود در زیست روزمره‌اش که همواره در ارتباط تنگاتنگ با هنجارها و ارزش‌های جامعه است با نیروی تفکر و تعقل اقدام به کنشگری می‌کند. نگرش و کنش افراد نسبت به قواعد و قوانین حاکم بر اجتماع و فرهنگ بر حسب شناخت‌شناسی آنان از هستی، متفاوت و متمایز از یکدیگر است؛ چنان‌که یک هنجار مشخص در جامعه برای یک شخص، تعهدی است که احساس ارزشمندی در پی دارد اما برای دیگری همچون زنجیر است که سعی در رها شدن از بند آن دارد. در حقیقت برای زنان روسپی بایدها و نبایدهای جنسی و ارزش‌های ازدواج و خانواده، همچون بندی است که ایشان را از لذت‌ها و تمایلات فردی دور می‌کند، لذا برای رسیدن به خواسته‌های تنوع‌طلبانه خود، از هر آنچه برای ایشان تعهدی ایجاد می‌کند همچون ازدواج و یا داشتن شریک جنسی ثابت، اجتناب می‌کنند. باین‌حال دیدگاه جنسی و مالکانه مردان به زنان در جامعه توسط ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، نهادینه شده است.

مصاحبه‌شونده کد ۷:

"من فکر می‌کردم چون با دوست پسرم رابطه جنسی داشتم و بکارت را از دست دادم دیگر نمی‌توانم ازدواج کنم. به خاطر همین از او جدا شدم و رفتم سمت نسرین. اولین مشتری من را نسرین معرفی کرد. هیچ وقت از یاد نمی‌برم در اولین رابطه کل زندگی، خانوادم، مردی که به خاطرش هر چیزی را که برای یک دختر ارزشمند بود را از دست داده بودم، جلوی چشمم بود و مادام با خودم فکر می‌کردم که حق دارم

این کار رو بکنم یا نه..... از طرفی دیگر چشمم دنبال این نبود که ببینم کدام پسر از من خوشش می‌آید. همه این موارد باعث شد تا این کار ادامه پیدا کند. هر کار بدی بعد دو سه بار انجام دادن عادی می‌شود."

۴. ۴. مضمون چهارم: مشکلات اقتصادی

فقر اقتصادی به‌عنوان یک مسئله اجتماعی در شکل‌گیری انواع انحرافات تأثیرگذار است و انگیزه سوق پیدا کردن به کج‌روی را افزایش می‌دهد. زمانی که کارشناسان به بررسی علل بروز آسیب‌های اجتماعی می‌پردازند، اولین و مهمترین عامل زمینه‌ساز که با آن روبرو می‌شوند، فقر اقتصادی است. شرایط اقتصادی معیار تعیین‌کننده طبقه اجتماعی محسوب می‌شود. توزیع ناعادلانه درآمد در بین افراد جامعه موجب افزایش شکاف و به دنبال آن بروز ناهنجاری‌های اجتماعی خواهد شد. فردی که در زندگی فعلی خود از کمبودهای مادی رنج می‌برد، چنانچه بستر و زمینه لازم در گرایش به کج‌روی را داشته باشد، برای جبران این کمبود، ارتقاء کیفیت زندگی و سطح رفاه اجتماعی، کنشی را انجام می‌دهد که با ارزش‌های جامعه مغایرت دارد. افراد برای دستیابی به یک زندگی مرفه به دنبال بر عهده گرفتن مشاغلی با درآمد بالا هستند، ولو هر کاری که دون شأن ارزش‌های وجودی انسان باشد. دغدغه‌های اقتصادی گاهی سایر شاخصه‌های فرهنگی و اجتماعی افراد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ به‌طوری که بسیاری از مشکلات فرهنگی و اجتماعی امروز جامعه از مسائل اقتصادی نشأت می‌گیرد.

مصاحبه‌شونده کد ۴:

"همیشه از متوسط بودن متنفر بودم، تصمیم گرفتم بدون تعهد تو رابطه از این مسیر به اون جایگاه اقتصادی که می‌خواهم برسم."

مصاحبه‌شونده کد ۹:

"آن پولی که اولین بار گرفتم به من مزه کرد، دیگر فکر و ذکر پول شده بود. به این نتیجه رسیدم که برای تأمین زندگی و درآمد بالا برای اینکه بتوانم چیزهایی که دلم می‌خواست بخرم، راه‌های دیگه هم هست."

۵.۴. مضمون پنجم: موقعیت‌های آسیب‌زا

قدرت تأثیر نیروهای موقعیتی بر رفتار انسان را نباید نادیده انگاشت. این عوامل در قالب شرایط مداخله‌کننده، می‌توانند تسهیل‌گر یا بازدارنده در طول مسیر باشند؛ مطالعه شخص بزهکار بدون بررسی محیط زندگی او مؤثر نخواهد بود. این عامل با توجه به شرایط، اوضاع و احوال می‌تواند نقش سازنده یا مخرب داشته باشد. انحرافات در صورتی بروز می‌کند که عوامل محیطی نقش مخرب داشته باشد. بنابراین عوامل و یا اوضاع و احوال و شرایط محیط اجتماعی مانند خانواده، مدرسه، آموزشگاه، روستا، شهر، جمعیت، فرهنگ تعلیم و تربیت، شغل، مسکن، ازدواج، طلاق، اقتصاد، سیاست، تمدن، وسایل ارتباط جمعی، محیط جغرافیایی و محیط طبیعی و بسیاری از عوامل دیگر در وقوع روسپیگری نیز تأثیر دارند. بی‌تردید رابطه انسان با مکان و به‌طور کلی محیط پیرامونی، به وسیله مجموعه کنش‌های او نمود می‌یابد. هر انسان با توجه به سطح آگاهی، دانش، نیاز و توان فنی خود در محیط پیرامونی مداخله و تصرف می‌نماید و این شرایط محیطی و مکانی است که حدود و نحوه عمل و شیوه رفتارهای او را مشخص می‌کند.

مصاحبه‌شونده کد ۶:

"گاهی برای کار خدمات می‌رفتم خانه‌های مجردی مناطق بالای شهر تهران و همین باعث می‌شد بهم پیشنهاد بشه پول خوب پیشنهاد می‌دادن منم و سوسه می‌شدم."

۶.۴. مضمون ششم: معضلات سنتی و فرهنگی

بشر همواره در پی کسب لذت و برآورده ساختن تمایلات بوده و هست، لذا برای حصول این گرایش، نیازمند درک و شناخت خود و رسیدن به آن عملیاتی است که توان درهم‌شکستن هنجارهای

مقیدکننده را دارد. آدمی با قدرت عاملیت خود به صورت هدفمند به کنش می‌پردازد؛ کنشی که مبتنی بر ارزش‌های فردی و با مرکزیت نیازهای خود، فارغ از تعهد و ارزش‌های جمعی، بایدها و نبایدهای ساختارهای اجتماعی-فرهنگی جامعه را نادیده می‌گیرد و از آنها می‌گذرد. به نظر می‌رسد با تضعیف باورها و آموزه‌های دینی و همچنین ترویج سبک زندگی مدرن، از بین رفتن قبح تن‌فروشی و آزادی‌خواهی جنسی بر گسترش این آسیب اجتماعی تأثیر داشته است.

۵. نتیجه‌گیری

آنچه که از تحلیل و تفسیر نتایج به دست آمده، نشان از درهم تنیدگی نقش ساختار و عاملیت در کنش جنسی نابهنجار بانوان گرفتار در دام روسپیگری دارد. از بسترها و شرایط مسبب ورود بانوان این پژوهش به روسپیگری، می‌توان اساسی‌ترین آن را خانواده دانست. تعارضات و آشفتگی‌های ساخت خانواده، محرومیت عاطفی و جنسی با تأثیر متقابل ساختارهای جنسی و جنسیتی حاکم بر جامعه، از اولین و اصلی‌ترین عوامل ورود زنان این پژوهش به روسپیگری بوده است که در نتایج تمام پژوهش‌های صورت گرفته در مورد این پدیده، بدان اذعان شده است، از جمله میرابی و فولادیان (۱۳۹۸) و فرمهین فراهانی (۱۳۹۶)، که بر اهمیت والای نقش خانواده در درک و حمایت از زنان و دختران تأکید کرده‌اند. ارتباطات ناسالم یا چالش‌زا نیز یکی دیگر از عواملی بود که منجر به روسپیگری در زنان شده است. این نتیجه در پژوهش یآوری و ده‌آبادی (۱۳۹۶)، نیز به دست آمده است.

معضلات اجتماعی، ارزش‌گذاری‌های جنسیتی جامعه و مشکلات اقتصادی هم در سوق دادن زنان این پژوهش به روسپیگری، نقش داشته‌اند. در جامعه‌ای که موفقیت مالی و اجتماعی زنان در سایه مردان محقق می‌شود؛ حتی اگر زنی هم در پی استقلال مالی باشد باید از سد ساختار نابرابر ساز جنسیتی اشتغال عبور کند. در مواردی زنان با موقعیت‌ها و محیط‌هایی مواجه می‌شوند که آلوده به شهوت بوده و نظرگاهی جنسی بر آنها حاکم است. بنابراین ناچار به پذیرش انتظارات جنسی مردان در محیط کار می‌شوند تا بتوانند علاوه بر کار و اندک درآمدشان سایر نیازها را نیز تأمین کنند. نابرابری‌های جنسیتی

در اشتغال (ساعات کاری برابر با مردان در حالی که دستمزدی کمتر دارند، و دشواری ارتقای مقام و پست در تقابل با مردان همکار در همین پست‌ها) نیز منجر به دلسردی زنان شده و آنان را از کاری که کرامت آنان را حفظ می‌کند به اشتغال پرمخاطره سوق می‌دهد. چنین یافته‌هایی را ساهو (۲۰۱۹) نیز مورد توجه قرار داده است. پس مطابق با نتایج مطالعات میرابی و فولادیان (۱۳۹۸) و همچنین فرمپین فراهانی (۱۳۹۶)، روسپیگری می‌تواند پاسخی به فقر اقتصادی و نداشتن حامی مالی باشد. در این پژوهش زنانی که درگیر این آسیب اجتماعی بودند بر نابسامانی‌ها و مشکلات خانوادگی اشاره کردند که کلمن وجود آن‌ها را عامل برهم خوردن تعادل در روابط میان اعضاء و عامل سوق‌دهنده زنان به روسپیگری معرفی می‌کند. بنا بر نظر دورکیم هنجارها و ارزش‌های جامعه که قرار بود تعدیل‌کننده رفتار زنان باشد در دگرگونی‌ها و بحران‌های اجتماعی و اقتصادی با توجه به پیشرفت تکنولوژی‌های ارتباطی، این خصیصه خود را از دست داده و الگوی رفتاری منتخب آنان نیست. از سوی دیگر با بحران فرهنگی موجود در جامعه زنان این پژوهش نه تنها الگوی جدیدی نیز درونی نکرده‌اند بلکه در جامعه‌ای که تأکید بر هدف‌ها همچون ارزش و هنجار پنداشته می‌شود، با شکاف عمیقی بین اهداف و وسایل دستیابی مطلوب مواجه می‌شوند که در نهایت کارآمدترین کنش را انتخاب می‌کنند، حتی اگر نامشروع و نابهنجار باشد چه در ورود به روسپیگری و چه در نحوه مدیریت پیامدهای حاصل از آن. بنابراین انواع ناکامی‌ها و فشارهای خارجی بر زنان آنان را در دام روسپیگری گرفتار نموده است. با این وجود نمی‌توان دیدگاه‌های فمینیستی که نسبت به این پدیده به‌ویژه روحیه مردسالاری در جامعه و نابرابری‌های جنسیتی که در زمینه اشتغال مولد و قانونی در کشور ایران است را نادیده گرفت.

۶. پیشنهادهای پژوهش

با توجه به بسترهای شناسایی شده در این پژوهش به نظر می‌رسد در راستای کنترل و کاهش پیامدهای ناشی از روسپیگری، نیازمند سیاست‌گذاری‌های کارا در موارد زیر است:

در حوزه اقتصادی

- افزایش اشتغال زنان
- وضع و اجرای قوانینی در جهت ایجاد برابری جنسیتی در اشتغال
- کارآفرینی
- برابری در ارتقاء شغلی
- برابری در پرداخت دستمزد به کارکنان زن
- توجه به وضعیت و شرایط زنان در تعیین ساعات کاری در ادارات و شرکتها

حوزه فرهنگی و اجتماعی

- فرهنگ سازی در جهت کاهش دیدگاه های جنسی به زنان در سازمانها، ادارات و در سطح کلان تر جامعه
- فراهم کردن زمینه همکاری و مشارکت امن زنان در امور اجتماعی و اقتصادی
- تشویق و حمایت از زنان برای مشارکت و برگزاری مناسبات فرهنگی و مذهبی
- استفاده از رسانه ها و شبکه های اجتماعی برای حمایت از نقش زنان در پیشرفت خانواده و جامعه

آگاه سازی و آموزش

- آموزش زنان در خصوص پیامدهای روسپیگری و حمایت از آنان برای ترک این آسیب اجتماعی.
- آموزش و آگاهی رسانی به زنان درگیر در آسیب روسپیگری برای رعایت اصول بهداشتی و وسایل پیشگیری.
- برگزاری دوره های آموزشی مرتبط با تربیت جنسی در مدارس جهت فرهنگ سازی و پیشگیری از روسپیگری

- برگزاری دوره‌های آموزشی برای آگاه‌سازی خانواده‌ها جهت تقویت ارتباطات و انسجام روابط خانوادگی

کتابنامه

۱. احمدی، ح.ا. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی انحرافات*. چاپ چهارم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲. خالدی، ر؛ بیدارپور، ف؛ قبادی، م؛ کریمی، م؛ و ملاشیخی، م. (۱۳۹۴). تجربیات زنان تن‌فروش از رفتارهای پرخطر و علل بروز این رفتارها از دیدگاه آنان و مسئولان مرکز. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۵(۴)، ۳۳۷-۳۲۶.
۳. ربانی خوراسگانی، ع؛ و قانع عزآبادی، ف. (۱۳۹۴). بررسی تجارب زیسته زنان روسپی (مورد مطالعه: شهرهای یزد و اصفهان). *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی*، ۴(۲)، ۶۸-۴۹.
۴. ستوده، ه.ا. (۱۳۷۶). *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی*. چاپ سوم. تهران: موسسه انتشارات آوای نور.
۵. شکرپیگی، ع؛ و قزوینه، ژ. (۱۳۹۵). روسپیگری زنان (مورد پژوهی روسپیگری زنان کولی در محله حکمت‌آباد کرمانشاه). *مطالعات اجتماعی، روان‌شناختی زنان*، ۱۵(۳)، ۱۴۵-۱۶۴. پاییز ۱۳۹۶.
۶. صدیق‌سروستانی، ر.ه. (۱۳۹۰). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*. چاپ هفتم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۷. علیوردی‌نیا، ا؛ ریاحی، م؛ و موسوی‌چاشمی، س. م. (۱۳۸۶). مطالعه جامعه‌شناختی بزهدکاری: آزمون تجربی نظریه فشار عمومی اگنیو. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۸(۲)، ۷۵-۹۹.
۸. فرمهبین‌فراهانی، ب. (۱۳۹۶). ریشه‌یابی روسپیگری زنان منطقه ۲ شهر تهران. *فصلنامه اندیشمندان حقوق*، ۵(۱۲)، ۶۴-۵۹. بهار.

۹. گیدنز، آ. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی*. (صبوری، م، مترجم). تهران: نشر نی.
۱۰. مبرایی، س؛ و فولادیان، م. (۱۳۹۸). شناسایی علل و فرآیندهای مؤثر بر پدیده روسپیگری (مورد مطالعه: شهر مشهد). *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، ۷، ۱۹-۶۱. بهار.
۱۱. مدنی قهفرخی، س. (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی روسپیگری: بررسی آسیب‌های اجتماعی*. چاپ دوم. تهران: نشر کتاب پارسه.
۱۲. همیلتون، پ. (۱۳۸۰). *شناخت و ساختار اجتماعی*. (شمس‌آوری، ح، مترجم). تهران: نشر مرکز.
۱۳. یآوری، س؛ و حاجی‌ده‌آبادی، م. ع. (۱۳۹۶). عوامل فحشا در ایران و جرائم ناشی از آن. *فصلنامه مطالعات حقوق*، ۱۷، ۱۴۳-۱۶۸. زمستان.
14. Argento, E., Strathdee, S., Shoveller, J., Braschel, M., & Shannon, K. (2019). Correlates of suicidality among a community-based cohort of women sex workers: The protective effect of social cohesion. *Journal of Interpersonal Violence*, 1-16.
15. Braun, V., Clarke, V., & Weate, P. (2016). Using thematic analysis in sport and exercise research. In *Routledge handbook of qualitative research in sport and exercise* (pp. 213-227). Routledge.
16. Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94, S95-S120.
17. Grittner, A., & Sitter, K. (2019). The role of place in the lives of sex workers: A sociospatial analysis of two international case studies. *Journal of Women and Social Work*, 1-20.
18. Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (2000). But is it rigorous? Trustworthiness and authenticity in naturalistic evaluation. In D. D. Williams (Ed.). *Naturalistic evaluation* (pp. 73-84). Jossey-Bass.
19. Liu, M. (2012). Chinese migrant women in the sex industry: Exploring their paths to prostitution. *Feminist Criminology*, 7(4), 327-349.
20. Sahu, S. (2019). Identity and other: Women and transgender sex workers in Karnataka. *Sociological Bulletin*, 68(1), 44-59.